



اتقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک

انتان پوشهر

(جلد اول)

مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات

تابستان ۱۳۹۵

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک استان بوشهر / [تدوین] مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۹۵.

۲ ج مصور: نمونه.

شابک: دوره: ۲ - ۰۸۴ - ۱۴۹ - ۶۰۰ - ۹۷۸ ج ۱: ۱ - ۰۳۶ - ۱۴۹ - ۶۰۰ - ۹۷۸ ج ۲: ۵ - ۰۸۳ - ۱۴۹ - ۶۰۰ - ۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: واژه‌نامه.

یادداشت: کتابنامه.

ایران - تاریخ - انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ - بوشهر (استان) - اسناد و مدارک

سازمان اطلاعات و امنیت کشور - اسناد و مدارک

ایران - تاریخ - پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۵۷ - اسناد و مدارک

ایران - وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی

ردبندی کناره: ۱۳۹۵ ۸ الف ب ۹ / DSR ۱۵۶۰

رده‌بندی دیویی: ۹۴۵/۶۴۰ ۳۷

شماره کتابشناسی: ۲۸۸۲ / ۳

شناسنامه

عنوان: انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک

استان بوشهر جلد اول

ناشر: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۱ - ۰۳۶ - ۱۴۹ - ۶۰۰ - ۹۷۸

ISBN 978 - 600 - 149 - 036 - 1

شابک دوره: ۲ - ۰۸۴ - ۱۴۹ - ۶۰۰ - ۹۷۸ (دوره ۲ جلدی)

ISBN 978 - 600 - 149 - 084 - 2 (2 VOL SET)

<http://www.historydocuments.ir>

E-mail: info@historydocuments.ir

صندوق پستی: ۴۷۳۵ - ۱۹۳۹۵

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است.

فهرست مطالب

عنوان

مقدمه:

صفحه

موقعیت جغرافیایی شهر.....	نه
موقعیت تاریخی استان بوشهر.....	ده
بوشهر در دوره ی پهلوی اول.....	یازده
بوشهر در زمان سلطنت محمدرضا پهلوی.....	دوازده
قیام ۱۵ خرداد و بازتاب آن در استان بوشهر.....	سیزده
واکنش اهالی بوشهر به تبعید امام خمینی(ره).....	چهارده
نقش معلمان، دانشجویان و دانش آموزان در جریان انقلاب اسلام در بوشهر.....	شانزده
نقش وعاظ و روحانیون.....	هجده
شبنامه نویسی و استفاده از شعارهای دیواری در مدارس و مساجد پخش اعلامیه.....	بیست و یک
بزرگداشت مراسم شهدای شهرهای مختلف کشور.....	بیست و سه
شرکت در اعتصابات.....	بیست و پنج
نقش مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی در استان بوشهر.....	بیست و هفت
اسناد:.....	۱

فهرست اعلام:..... ۴۳۵

ضمائم:..... ۴۵۵

تصاویر:..... ۴۶۵

سخن ناشر

پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ را باید مرهون تلاش‌های همه‌ی اقشار جامعه دانست و از سراسر کشور تشکر و ستایش. شناخت این حرکت عظیم اسلامی کامل نخواهد بود، مگر آنکه پژوهشگران و مورخین نقش همه‌ی شهرها و نقاط کشور را در یک کلیت بزرگ‌تر مورد بررسی و مذاقه قرار دهند. قطعاً در این جریان انقلاب اسلامی ایران برخی شهرها مانند قم، تهران، مشهد و ... به دلیل موقعیت خاص مذهبی، سیاسی و اقتصادی که داشته‌اند، در کانون توجه مردم و رژیم قرار داشته‌اند و به نوعی نقش راهبردی و انتقار اندیشه‌ها را امام به سایر شهرها را انجام می‌داده‌اند. علاوه بر شهرهای کلیدی، سایر استان‌ها نیز هر کدام به به رسمیت سیاسی، جغرافیایی و اقتصادی ویژه‌ای که داشتند در پیش‌برد اهداف امام (ره) ایفای نقش می‌کنند. استان بوشهر به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و مجاورت در کنار خلیج فارس و همچنین اهمیت استراتژیکی که برای رژیم داشت به شدت از سوی عوامل رژیم کنترل و هرگونه اعتراضی به سخت سرکوب می‌شد. کنترل رژیم در استان بوشهر به حدی بود که حتی بعضاً از انتشار کتاب‌هایی که رژیم جان بدور آنها را داده بود ممانعت به عمل می‌آورد و جلسات مذهبی با حساسیت ویژه‌ای کنترل می‌شد. به‌رغم همه‌ی این فشارها و اجحافات که بارها در اسناد به آن اشاره شده است، مردم انقلابی و مدافعان استان در کنار علمای متعهد آن در مقابل توطئه‌های رژیم ایستاد و از پیشبرد نهضت امام (ره) دریغ نکردند. اسناد مجلد اول مقطع زمانی ۱۳۴۲/۱/۱۷ تا ۱۳۵۶/۱۲/۲۹ را شامل می‌شوند.

در پایان توضیحاتی برای بهره‌برداری بهتر از مجموعه حاضر ضروری به نظر می‌رسد:

۱- این مجموعه که در دو جلد تقدیم می‌شود، اسناد سال‌های ۱۳۴۲ تا بهمن ۱۳۵۶ را در برمی‌گیرد.

۲- به‌رغم برخی ذهنیت‌های ناشی از عملیات روانی ساواک، بسیاری از فعالیت‌ها و تحرکات انقلابیون از دید منابع ساواک مخفی مانده است، لذا گزارش‌های موجود و اسناد منتشره الزاماً بیانگر سیمای کامل فعالیت‌های مخالفان رژیم ستم شاهی نمی‌باشد.

۳- برای گردآوری این مجموعه، کلیه پرونده‌های انفرادی و موضوعی مربوط به استان بوشهر مورد

بررسی و بهره‌برداری قرار گرفته و در گزینش اسناد، سندهای تکراری حذف شده است. در میان سندهایی که محتوای مشابه داشته‌اند، اولویت به سندی داده شده که حجم بیشتری از جزئیات موضوع را دربر داشته است. ضمناً اسناد تایپ شده به مثابه دستنویس آن ترجیح داده شده است.

۴- عناصر مهم و مؤثر اعم از زندگینامه مختصر رجال، شرح وقایع، مکان‌های تاریخی و ... که نیاز به گویاسازی داشته، انجام و در ذیل اسناد ارائه شده است. گویاسازی‌ها در برخی از اسناد به صورت توضیح سند با سندی دیگر می‌باشد.

۵- در بعضی از اسناد عباراتی مانند: بایگانی شود، امضای مسئولین ساواک، شماره پرونده، دستور اقدام، پی‌نوشت و ... به کار رفته است که عیناً با قلمی متفاوت از متن اصلی حروفچینی شده است.

۶- به استناد این تصاویر اسناد، از حروفچینی سربرگ سندها خودداری و صرفاً به درج مبدأ، مقصد، تاریخ، شماره موضوع اکتفا شده است.

۷- اسناد به ترتیب تاریخ گزارش واقعه تنظیم شده و پس از آن اولویت به: تاریخ وقوع، تاریخ رسیدن خبر به منبع، تاریخ رسیدن خبر به رهبر عملیات و تاریخ پی‌نوشت است.

۸- در برخی گزارش‌های ساواک، نظریه‌هایی وجود دارد که از شخص نظردهنده با کلمات رمز یاد شده است. این کلمات رمز معمولاً اسامی، راه‌های هفتم و معنای آنها به شرح زیر است:
نظریه شنبه: نظریه منبع نفوذی ساواک، گزارش (گر) است که از طریق مشاهده مستقیم یا از راه‌های دیگر کسب خبر نموده است.

نظریه یکشنبه: نظریه رهبر عملیات است که گزارش منبع نفوذی را تأیید یا تحلیل می‌کند.

نظریه دوشنبه: نظریه رئیس دایره عملیات است.

نظریه سه‌شنبه: نظریه رئیس امنیت داخلی است.

نظریه چهارشنبه: نظریه رئیس سازمان اطلاعات و امنیت منطقه است.

نظریه جمعه: نظریه رئیس سازمان اطلاعات و امنیت استان است.

۹- در سربرگ سندها برخی علائم با رمز آمده است. از جمله آنها مبدأ، مقصد نامه‌ها و گزارش‌ها است که منظور از آن رمزها عبارتند از:

۱- (ساواک گیلان)، ۲- (ساواک مازندران)، ۳- (ساواک آذربایجان شرقی)، ۴- (ساواک آذربایجان غربی)، ۵- (ساواک کرمانشاه)، ۶- (ساواک خوزستان)، ۷- (ساواک فارس)، ۸- (ساواک کرمان)، ۹- (ساواک خراسان)، ۱۰- (ساواک اصفهان)، ۱۱- (ساواک سیستان و بلوچستان)، ۱۲- (ساواک کردستان)، ۱۳- (ساواک همدان)، ۱۴- (ساواک سمنان)، ۱۵- (ساواک لرستان)، ۱۶- (ساواک بوشهر)، ۱۷- (ساواک هرمزگان)، ۱۸- (ساواک کهگیلویه و بویراحمد)، ۱۹- (ساواک چهارمحال و بختیاری)، ۲۰- (ساواک تهران)، ۲۱- (ساواک قم)، ۲۲- (ساواک اراک)، ۲۳- (ساواک قزوین)،

۲۴ هـ (ساواک ایلام)، ۲۵ هـ (ساواک زنجان)، ۲۶ هـ (ساواک یزد):

۱۰- همچنین مبدأ یا مقصد نامه‌ها و گزارش‌های مربوط به اداره کل سوم ساواک (امنیت داخلی) به اعداد رمز عنوان شده است. اداره کل سوم از هفت بخش تشکیل می‌شد که عبارت بودند از:

۱- مدیریت اداره کل سوم ۲- اداره یکم عملیات و بررسی ۳- اداره دوم عملیات و بررسی ۴- اداره سوم کل سوم ۵- اداره چهارم کل سوم ۶- اداره پنجم کل سوم ۷- اداره ششم کل سوم.

اجزاء اداره یکم عملیات و بررسی شامل: ۳۱۰ (دفتر اداره یکم عملیات و بررسی)، ۳۱۱ (بخش احزاب و دستجات کمونیستی)، ۳۱۲ (بخش احزاب و دستجات سیاسی و مذهبی افراطی)، ۳۱۳ (بخش هدف‌های تازه و فعالیت‌های مربوط به عرب‌زبانان ناراحت و بلوچ‌های حاد ایرانی)، ۳۱۴ (اکراد) و ۳۱۵ (فوتیت‌های خارجی) بوده است.

اجزاء اداره دوم عملیات و بررسی شامل: ۳۲۰ (دفتر اداره دوم عملیات بررسی)، ۳۲۱ (بخش دانشگاه تهران)، ۳۲۲ (بخش دانشگاه‌ها و مراکز عالی آموزشی تهران)، ۳۲۳ (بخش دانشگاه‌ها و مراکز عالی آموزشی استان‌ها و شهرستان‌ها) و ۳۲۴ (بخش آموزش و پرورش و مدارس در تهران و استان‌ها و شهرستان‌ها) بوده است.

اجزای اداره کل سوم شامل: ۳۳۰ (دفتر اداره سوم کل سوم)، ۳۳۱ (بخش ممالک اسکاندیناوی و اروپای شرق)، ۳۳۲ (بخش کشورهای اروپای غربی)، ۳۳۳ (بخش آمریکا، کانادا و آمریکای جنوبی و مرکزی) و ۳۳۴ (بخش خاورمیانه و کشورهای عرب و ممالک آسیا و آفریقا) بوده است.

اجزای اداره چهارم کل سوم شامل: ۳۴۰ (دفتر اداره چهارم کل سوم)، ۳۴۱ (بخش احزاب و دستجات راست، انجمن‌ها و اتحادیه‌های دولتی و خصوصی)، ۳۴۲ (بخش وزارتخانه و ادارات و سازمان‌های دولتی)، ۳۴۳ (بخش کارگری)، ۳۴۴ (بخش صنعت و بازرگانان)، ۳۴۵ (بخش کشاورزان و امور زراعی)، ۳۴۶ (بخش عشایر و قاچاق اسلحه و مواد مخدوعه و نال)، ۳۴۷ (بخش جراید و سینما و تلویزیون)، ۳۴۸ (بخش نارضایتی‌های عمومی) و ۳۴۹ (بخش روابط عمومی) بوده است.

اجزای اداره پنجم کل سوم شامل: ۳۵۰ (دفتر اداره پنجم کل سوم)، ۳۵۱ (بخش دکترین و آموزش و سازمان و وظایف رهبران عملیات امنیت داخلی)، ۳۵۲ (بخش سانسور و کنترل مکاتبات) و ۳۵۳ (بخش منابع و مأموران و گروه‌های تعقیب و مراقبت) بوده است.

اجزای اداره ششم کل سوم شامل: ۳۶۰ (دفتر اداره ششم کل سوم)، ۳۶۱ (بخش فیش)، ۳۶۲ (بخش بایگانی) و ۳۶۳ (بخش بررسی و تجزیه) بوده است.

مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات

مقدمه

در کتاب‌های تاریخی، شهر بوشهر به اسامی مختلفی مانند: لیان، رام اردشیر، ریشهر، ابوشهر، انطاکیه، بندر نادری، بوشهر، میده شده است.^۱ در اواخر دوره قاجار تا سال ۱۳۱۶ و در زمان حکومت رضاخان، بوشهر بنادر و جزایر خلیج فارس یکی از ۲۷ بخش کشور محسوب می‌شدند. از این سال و براساس تقسیمات جدید، بوشهر و توابع آن جزو قلمرو استانداری فارس و استان هفتم شد. در دوره محمدرضا پهلوی این تقسیمات مجدداً تغییر داده شد و در سال ۱۳۳۹ بوشهر و توابع آن به نام فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس و با مرکزیت بوشهر از استان فارس جدا شد. در اوایل سال ۱۳۴۰ این فرمانداری کل به فرمانداری کل بنادر و جزایر دریای عمان تحت عنوان فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس و دریای عمان ادغام شد. در سال ۱۳۴۶ مجدداً تغییرات جدیدی اعمال شد و این فرمانداری کل به استان ساحلی تغییر نام یافت و بوشهر و توابع آن زیر نظر استانداری ساحلی به مرکزیت بندرعباس قرار گرفت. چند سال بعد، یعنی در سال ۱۳۴۹ شهرستان‌های بوشهر و دشتستان تحت عنوان فرمانداری کل بنادر و جزایر ساحلی جدا و سرانجام در ۹ مهر ماه ۱۳۵۲ استان بوشهر با دو شهر بوشهر و دشتستان تشکیل و تا کنون به ۱۰ شهرستان تقسیم شده است.

موقعیت جغرافیایی بوشهر

استان بوشهر در ساحل خلیج فارس یکی از مهم‌ترین استان‌های کشور است. این استان که در جنوب کشور قرار دارد، از لحاظ مساحت هفدهمین استان بزرگ کشور و مرکز آن بندر بوشهر است. استان بوشهر بین ۲۷ درجه و ۱۹ دقیقه تا ۳۰ درجه و ۱۶ دقیقه عرض شمالی و ۵۰ درجه و

۱ دقیقه تا ۵۷ درجه و ۵۹ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار دارد. استان بوشهر از شمال به خوزستان و استان کهگیلویه و بویراحمد، از شرق به استان فارس، از جنوب و غرب به خلیج فارس و از جنوب شرقی به استان هرمزگان محدود است. مساحت استان بوشهر حدود ۲۷۰۶۵۳ کیلومتر مربع و بیش از ۱۰۰۰۰۰۰ نفر جمعیت دارد.^۱ براساس تقسیمات کشوری استان بوشهر دارای ۱۰ شهرستان به نام‌های: بوشهر، تنگستان، جم، دشتستان، دشتی، دیر، دیلم، عسلویه، کنگان و گناوه و ۲۷ شهر و بیش از ۹۱۰ آبادی است.^۲ استان بوشهر از نظر موقعیت اقلیمی جزو استان‌های گرم و خشک و در نواحی ساحلی گرم و مرطوب است که دارای ارتفاعات، جلگه، حوزه‌های آبریز و جنگل‌های حرا می‌باشد.

موقعیت تاریخی استان بوشهر

استان بوشهر از قدیمی‌ترین زیستگاه‌های انسانی در کشور است که تا کنون آثاری از دوره ایلامی‌ها و تمدن‌های بین‌النهرین در آن به دست آمده است. در دوره‌ی هخامنشی بوشهر به دلیل نزدیکی به مرکز حکومت، اهمیت تردد را حفظ کرده و شهر برازجان یکی از شهرهای مهم آن بود. در دوره‌ی ساسانی و در زمان اردشیر بابکان بنیانگذار این سلسله، در نزدیکی بوشهر شهری به نام «رام اردشیر» بنا نهاده شد که هم‌کنون نیز با بایابی از آن باقی مانده است.

با ورود اسلام به ایران، بوشهر و دیگر شهرهای استان در سال‌های ۱۸ و ۱۹ ه‍.ق به تصرف مسلمانان درآمد. بنا به برخی روایات «عثمان بن ابی العاص» یا «حکم بن ابی العاص» این شهر را تصرف کرده و در آنجا مسجدی بنا نهاد. در طول سلطنت حکام اموی و خلفای عباسی استان بوشهر جزو قلمرو اسلامی به حساب می‌آمد و به وسیله: خراسانیان، خلفا اداره می‌شد.

یعقوب لیث صفاری هنگام خروج علیه خلیفه عباسی، سمرقند، داریس و سواحل خلیج فارس و استان بوشهر را به قلمرو خود ضمیمه کرد، بعد از مرگ یعقوب، پسرش «عمرو لیث» که اظهار اطاعت نسبت به خلیفه عباسی کرده بود، فرمان حکومت شهرهای فارس، بوشهر، کرمان، اصفهان، همدان، سیستان و زنجان را از وی گرفت.^۳

در دوره فرمانروایی آل بویه و در زمان «عضدالدوله» در سال ۳۵۵ ه‍.ق استان بوشهر و بندر معروف «سیراف» در اختیار آل بویه قرار داشت. این بندر بین سال‌های ۳۶۶ یا ۳۶۷ دچار زمین لرزه‌ی

۱. کنین، عبدالحسین، جغرافیای طبیعی و انسانی بوشهر، تهران، طلوع دانش، ۱۳۸۷، صص ۵۳-۴۹.

۲. فرهنگ جغرافیایی ایران، دایره جغرافیای ستاد ارتش شاهنشاهی، جلد هفتم، استان هفتم، صفحات ۱۰۱ و ۱۰۲ و همچنین رجوع شود به سایت www.amar.org.ir

۳. برگاری، صالح، «تاریخ ایران در دوره علویان» در تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفاریان و علویان» تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۹۰

ویرانگری شد. در طول حکومت ۱۲۰ ساله آل بویه، استان بوشهر همواره جزو قلمرو آنها بود.^۱ در دوره‌ی صفوی به خاطر حضور پرتغالی‌ها و هجوم‌های مکرر عثمانی به مناطق غربی ایران این مناطق تحت کنترل کامل حکومت نبودند تا اینکه در زمان شاه طهماسب اول حکام یاغی آن سرکوب شدند. در زمان سلطنت نادرشاه افشار در سال ۱۱۴۷ هـ ق عبداللطیف خان دشتستانی با لقب دریابگی به حکومت کل سواحل و بنادر جنوب دشتستان و شولستان منصوب شد و وی نیز بوشهر را به مرکز عملیات فرماندهی خود تبدیل کرد. در دوره‌ی حکومت زندیه کمپانی‌های هلندی و انگلیسی در بوشهر نفوذ فراوانی به دست آوردند.^۲

در تمام دوره‌ی سلطنت قاجار انگلیسی‌ها از نفوذ خود در منطقه برای فشار بر دولت و مردم استفاده می‌کردند. همین موضوع باعث شد تا در استان بوشهر هسته‌های مقاومتی علیه استعمارگران خصوصاً انگلیس تشکیل شده و هر از گاهی قیام‌هایی علیه آنها به وجود آید. در دوره‌ی ناصرالدین شاه هنگامی که ایران هرات را محاصره کرده بود، انگلیسی‌ها برای مجبور کردن ایران به عقب‌نشینی، نمایانگر را در ۱۲۷۳ هـ ق در بوشهر پیاده کردند که با مقاومت نیروهای تنگستانی مواجه شدند. مقاومت بروهان محلی در بوشهر که با همراهی «مجتهد بحرینی» و «سید طاهر اردبیلی» صورت گرفت به رغم اقدامات شجاعانه آنها در ۱۲ ربیع‌الآخر ۱۲۷۳ به شکست انجامید و بوشهر به تصرف ناخدا دوم نیلیس، چونز درآمد و بسیاری از مردم و مبارزین بوشهری کشته یا به هندوستان تبعید شدند.^۳

پیش از جنگ جهانی اول انگلیسی‌ها مجدداً بوشهر را مورد تجاوز خود قرار داده و در سال ۱۹۱۲ میلادی با مقاومت نیروهای رئیس علی دلواری که متشکل از مردم تنگستان و دشتستان بودند مواجه شدند. این جنگ‌ها چند سال به طول انجامید تا اینکه سرانجام در شب ۲۳ شوال ۱۳۳۳ هـ ق/ سوم سپتامبر ۱۹۱۵ رئیس علی دلواری در شبیخون واقع در تنگستان به وسیله یکی از همراهان خائنش به شهادت رسید.^۴

بوشهر در دوره‌ی پهلوی اول

رضاخان میرپنج معروف به سردار سپه، پس از اینکه در جریان کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹

۱. فقیهی، علی اصغر، تاریخ آل بویه، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۹۰.

۲. رک: زنده دل، حسن، استان بوشهر، انتشارات ایران گردان، ۱۳۷۷.

۳. رک: دشتی، رضا، تاریخ اقتصادی و اجتماعی بوشهر در دوره قاجار با تکیه بر نقش تجار و تجارت، انتشارات بازینه، ۱۳۸۰.

۴. رک: فخرایی، محمد جواد، دشتستان در گذر تاریخ، شیراز، انتشارات بنوید شیراز، ۱۳۸۳ و مهدی فتوت، رویارویی بافر تنگستانی با لشکرکشی‌های انگلیس به بوشهر، انتشارات بوشهر، ۱۳۸۳ و بسیاری منابع دیگر که در این مورد نوشته شده است.

قدرت را به دست گرفت، ظرف مدتی کمتر از ۵ سال توانست سلطنت قاجار را منقرض و سلسله‌ی پهلوی را تشکیل دهد. وی که از سال ۱۳۰۲ به نخست‌وزیری رسیده بود و عملاً قدرت را در دست داشت تا شهریور ۱۳۲۰ دست به مجموعه اقداماتی زد که با مخالفت طیف‌های گسترده‌ای از مردم و روحانیون در سراسر کشور مواجه شد. از جمله اقدامات وی که مخالفت مردم مسلمان بوشهر را به دنبال داشت موضوع کشف حجاب در سال ۱۳۱۴ بود.

در این سال رضاخان پس از بازگشت از ترکیه و تبعیت از اقدامات دین ستیزانه‌ی مصطفی کمال‌پاشا و توصیه‌ی استعمارگران دستور به کشف حجاب داد و عملاً به مخالفت با اسلام پرداخت. از چهره‌های روحانی و مبارز استان بوشهر در این ایام می‌توان به «آیت‌الله سید عبدالله بلادی» اشاره کرد. بی‌شک از منتقدین سیاست‌های ضداسلامی رضاخان بود و با شهید آیت‌الله سید حسن مدرس ارتباط نزدیکی داشت.^۱

از دیگر علمای مبارز استان در دوره‌ی رضاخان می‌توان به «ملا عبدالله اعمی معروف به فاضل»^۲، «آقا نورالدین مجتهد شیرازی»^۳ و «حاج آقا اسماعیل» اشاره کرد.

در جریان کشف حجاب در استان بوشهر، به خاطر یافت مذهبی جامعه این اقدام مورد توجه مردم قرار نگرفت و به رغم فسرها و تبلیغاتی که رژیم پهلوی انجام می‌داد، زنان همچنان با حجاب کامل به خیابان‌ها می‌آمدند. در سال ۱۳۱۵ هنگام بازدید رضاخان از بوشهر آمده است:

«برای نزول اجلال موکب همایونی... ها و خانم‌ها باید به لباس معمول امروز

ملبسی باشند و اشخاص با عمامه و یا عبا، خان‌ها با، و سرب در خط عبور و جلوی

محل تشریف فرمایی به هیچ وجه نباید دیدند»^۴

بوشهر در زمان سلطنت محمدرضا شاه پهلوی

پس از خروج رضاخان از ایران در سال ۱۳۲۰ و اقامت اجباری وی در آفریقای جنوبی،

۱. آیت‌الله بلادی در جزوه‌ای که خطاب به فخرالسلطنه تهیه شده است، الگوپردازی رضاخان از مصطفی کمال‌پاشا را مورد انتقاد قرار داده و سیاست‌های او را مخالفت منافع ملی و ضداسلامی دانسته است. وی با رضاخان مبارزه فرهنگی می‌کرد. برپایی مراسم‌های باشکوه عزاداری از جمله اقدامات این عالم آگاه بود. از مرحوم آیت‌الله بلادی بیش از ۸۰ جلد کتاب در علوم مختلف باقی مانده است. بعضی از آثار وی عبارت است از: ملاک‌القضا در قضا و شهادت، آیات تکوین در سه جلد، حکم الصلاة فی العرفات، کشکول (در دو جلد)، سوانح و لوائح والشمس الطالعه فی شرح الجامعه، کف‌الحصین (سه جلد). بر گرفته از کتاب صد سال مطبوعات بوشهر (ص ۲۳۱) نوشته سید قاسم یاحسینی

۲. وی به برازجان تبعید شده بود.

۳. وی به بوشهر تبعید شده بود.

۴. رضاخان روز اول فروردین ۱۳۱۶ وارد خلیج خویبر موسی گردید و سپس عازم بوشهر شد و از آنجا به شیراز و سپس به اصفهان رفت. رک: تاریخ بیست ساله ایران، حسین مکی، ج ۶ صفحات ۳۳۸-۳۳۶

محمدرضا پهلوی فرزند ارشد وی به کمک متفقین و حمایت کسانی چون «محمدعلی فروغی» به سلطنت رسید. در طول سلطنت محمدرضا پهلوی به خاطر وابستگی وی به بیگانگان و اقدامات ضداسلامی متعدد و تلاش برای رواج فرهنگ غربی در کشور، همواره شکاف عمیقی میان وی و مردم کشور دیده می‌شد. این شکاف در طول چندین دهه نهایتاً به اوج رسیده و در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پایان خود رسید. در طول این چند دهه، روحانیت آگاه همواره قانون مخالفت‌ها علیه رژیم پهلوی بود و نقش اساسی را در سرنگونی نظام شاهنشاهی بر عهده داشت. شبکه‌ی منسجم و هماهنگی که روحانیت سراسر کشور را از طریق مساجد و حوزه‌های علمیه به هم پیوند می‌داد در اوایل دهه ۴۰ اقیام حضرت امام خمینی(ره) به عنوان جدی‌ترین مخالفت سیاست‌های رژیم پهلوی مرده براساس کشور را نسبت به اوضاع جاری مملکت آگاه کرده و به تبیین اندیشه‌های امام(ره) پرداخت.

استان بوشهر به خاطر اهداف استراتژیکی که داشت همواره مورد توجه بود. ذخایر نفت و گاز و خط ساحلی طولانی خلیج فارس، این خطه از کشور را حائز اهمیت زیادی برای رژیم می‌کرد. از سوی دیگر اقلیم سخت و خشن این منطقه باعث شده بود که رژیم پهلوی بسیاری از مخالفین سیاسی خود را که در میان آنها تعداد زیادی روحانی نیز وجود داشت به آنجا تبعید کند. این روحانیون تبعیدی همان گونه که در اسناد کتاب نیز اشاره شده است، به رغم همه‌ی مشکلاتی که با آن مواجه بودند، نقش مهمی در ترویج اندیشه‌های امام خمینی(ره) در میان لایه‌های اجتماعی مختلف استان بوشهر بر عهده داشتند. در ادامه نگاهی به سیر انقلاب اسلامی در استان بوشهر خواهیم داشت.

قیام ۱۵ خرداد و بازتاب آن در استان بوشهر

پس از رحلت آیت‌الله العظمی سید حسین بروجردی در سال ۱۳۱۰ رژیم پهلوی در اقدامی به منظور به چالش کشیدن روحانیت در ۱۴ مهرماه سال ۱۳۴۱ لایحه‌ی «حسین‌ی ایالتی و ولایتی» را در زمان نخست‌وزیری اسدالله علم مطرح کرد. این اقدام رژیم که با واکنش اکثر علما و در رأس آنها حضرت امام خمینی(ره) مواجه شد، مخالفت‌هایی را در سراسر کشور به دنبال داشت که در نهایت در ۱۰ آذر ۱۳۴۱ رژیم را مجبور به عقب‌نشینی کرد. پس از این شکست، رژیم که بقاء و مشروعیت سیاسی خود را در خطر می‌دید به منظور جبران شکستش در ماجرای انجمن‌های ایالتی و ولایتی، دست به اقدامات جدیدی از جمله اجرای طرح «انقلاب سفید» در بهمن ۱۳۴۱ زد. پس از اجرای حمله به مدرسه فیضیه توسط عوامل و مأمورین رژیم پهلوی در اوایل فروردین ۱۳۴۲ که به شهادت و مضروب شدن تعدادی از طلاب انجامید، انتقادات و اعتراضات امام خمینی(ره) نسبت به سیاست‌های رژیم پهلوی وارد مرحله‌ی جدیدی شد که در جریان قیام خونین

مردم در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ که نسبت به دستگیری امام (ره) واکنش نشان داده بودند، به اوج خود رسید.^۱

واکنش‌های اهالی بوشهر به تبعید امام خمینی (ره)

مخالفت امام خمینی (ره) با لایحه کاپیتولاسیون یا حق مصونیت قضایی مستشاران آمریکایی که در آبان ۱۳۴۳ و در زمان نخست وزیری حسنعلی منصور عملاً استقلال ایران را مخدوش کرد، موجی از نگرانی و اعتراض را به دنبال داشت که در نهایت رژیم پهلوی را به واکنش واداشته و منجر به تبعید امام خمینی (ره) در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ به ترکیه و سپس عراق شد. در بوشهر به مانند سایر نقاط کشور، با وجود و اندوهی عمیق علاقه‌مندان به امام امت را فراگرفت و باعث شد تا انقلابیون و در رأس آنها روحانیت، بستین اندیشه‌های امام (ره) و مخالفت با رژیم پهلوی بپردازند. در سندی از ساواک در سال ۱۳۴۴ آمده است:

«محمدرضا دستیار یکی از دبیران دبیرستان‌های شاهپور شمیران که اصلاً برازجانی می‌باشد برای مراسم ایام نوروز به برازجان آمده است. طی اظهاراتی اشعاری در مدح خمینی و بر علیه اسیرحضرت‌ها ایون شاهنشاه قرائت نموده و در قسمت دوم اشعاری درباره کودک یتیم و در آخر آن نسبت به مقدسات ما توهین نموده سروده است. در این اجتماع اکثراً نسبت به دست‌های اظهار تنفر و انزجار می‌کردند.»^۲

مردم استان بوشهر به دلیل دوری از مرکز و محرومیتی که با آن مواجه بودند، ارتباط چندانی با سایر نقاط کشور نداشته و با تأخیر از اوضاع سیاسی می‌شدند. اصولاً وسایل ارتباطی در بوشهر را باید به دو دسته تقسیم کرد نخست مطبوعات و رسانه‌های صوتی و تصویری دولتی که تصویری بی‌عیب و نقص از رژیم ارائه می‌کردند و دیگری برخی رادیوهای مخالف رژیم که بیشتر در اختیار کمونیست‌ها و احزاب چپی قرار داشتند. در کنار این دو جریان، انتشار اخبار شکل دیگری نیز از خبررسانی و تحلیل رویدادها وجود داشت که کانون آن در مساجد، حسینیه‌ها و جلسات قرآن بود که در اختیار نیروهای مذهبی طرفدار امام (ره) قرار داشتند. در نهایت باید به مسافریان، دانشجویان و انقلابیون تبعیدی در استان نیز اشاره کرد که هر کدام نقش مهمی در آگاهی سیاسی مردم داشتند. در سند زیر به خوبی این محدودیت اطلاع رسانی دیده می‌شود:

«عده‌ای از کارگران شب‌ها در جاده شماره ۱۴ جزیره خارگ دور هم جمع شده و رادیو

۱. در این مورد رک: قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، جلد ۹، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی. و همچنین نگاه شود به: ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، جلد اول، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۶، ص ۵۱۳

۲. سند مورخه ۱۳۴۴/۱/۱ جلد ۱، از همین مجموعه

ملی را می‌گیرند و مشغول فعالیت و تبلیغات مضره بر علیه دولت می‌باشند و بر تعداد آنها روز به روز اضافه می‌گردد.^۱

براساس اسناد ساواک از سال ۱۳۴۴ به تدریج کتاب‌های مذهبی و سیاسی در منطقه افزایش یافته و بر تعداد علاقه‌مندان به این مباحث افزوده شده است. افزایش این کتاب‌ها حتی باعث تعجب منابع ساواک نیز شده بود و لذا خواستار دریافت دستوراتی از مرکز برای مواجه با این قبیله نوشته‌ها بودند.^۲ از جمله کتاب‌هایی که در منطقه رواج زیادی داشتند توضیح المسائل امام خمینی (ره) و نشریات ارسالی از قم بودند.^۳ در سندی از ساواک آمده است:

«به طور کلی هر هفته تعدادی کتب دینی و سیاسی و اجتماعی و اقتصادی برای فروش، کتاب، جریایی و کتابفروشی‌های بوشهر و سایر شهرستان‌ها وسیله پست و یا مسافران از راه‌ها، مختلف ارسال می‌گردد که این کتب بیشتر در قم به چاپ رسیده و از آنجا به شهرستان صادر و توزیع می‌گردد و تعدادی از فروشندگان دوره‌گرد و صاحبان کتابخانه، قبلاً موضوع به مردم فروخته و یا وجوه جمع‌آوری شده کتاب را برای مولف یا نویسنده ارسال و آنرا از این راه ارتزاق می‌کنند.^۴

شاید در کمتر استانی به اندازه بوشهر تمامات ساواک نسبت به مطالعه مردم و نوع کتاب‌هایی که می‌خواندند حساسیت داشته‌اند. در سندی به تاریخ ۱۳۵۲ این موضوع به وضوح قابل مشاهده است:

«از کتابفروشی مزبور ادر برازجان با انجام تشفیات انوینی بازرسی به عمل آمده و تعداد ۳۱۷ جلد کتاب و ۱۵۹ جلد مجله کودکان چاپ مسکو کشف و ضبط شده است. ساواک بوشهر سپس اضافه نموده با توجه به اینکه توزیع کتب مزبور در شهرستان برازجان موجب سوق داده شدن مردم آن منطقه به سوی فعالیت‌های مضره سیاسی خواهد شد ... (لذا) قسمتی از کتاب‌های موجود در فروشگاه وی محسوسین مطهری] که مضره نبوده ولی تا حدودی تحریک‌آمیز می‌باشد نیز جمع‌آوری گردیده است و طرح امنیت داخلی این ساواک (ساواک بوشهر) آن است که تا زمانی که شخص موصوف در رفتار خود در زمینه فروش کتب مضره و تحریک‌آمیز تجدید نظر نکرده

۱. سند مورخه ۱۳۴۴/۳/۱۹ جلد ۱، از همین مجموعه

۲. سند مورخه ۱۳۴۴/۲/۲۰ جلد ۱، از همین مجموعه

۳. اسناد مورخه ۱۳۴۴/۶/۲۰ و ۱۳۴۴/۱۰/۱۹ جلد ۱، از همین مجموعه

۴. سند مورخه ۱۳۴۴/۷/۱۴ جلد ۱، از همین مجموعه

هر چند یکبار از کتابفروشی او بازرسی و کتب مضره و تحریک آمیز جمع آوری گردد.^۱

نقش معلمان، دانشجویان و دانش آموزان در جریان انقلاب اسلامی در بوشهر

همان گونه که گفته شد فقدان دسترسی مناسب مردم استان بوشهر به وسایل ارتباط جمعی باعث شده بود تا تمامی کسانی که به نحوی از اوضاع کشور اطلاع داشتند، احساس وظیفه کرده و به رغم کنترل های شدید رژیم، برای افزایش آگاهی سیاسی توده های مردم تلاش کنند. معلمان از جمله اقشاری بودند که در این زمینه نقش مهمی برعهده داشتند. بسیاری از معلمان استان، بر روی موضوعاتی که رژیم پهلوی نسبت به آن حساسیت داشت، دانش آموزان را با واقعیت جاری کشم، و جهان آشنا می کردند. پرداختن به موضوعاتی مانند جنگ ویتنام و جنایات رژیم صیونیستی از جمله این موارد بود.^۲ شجاعت معلمان استان در سند زیر به خوبی مشهود است:

«دانش آموزی از آقای وی سوال می نماید که مسئول قوه مقننه و مجریه چه کسی است؟ آقای نبوی با عصبانیت با این تمسخر اشاره به تمثال شاهنشاه آریامهر نموده و می گوید پس این مریدیکه، کاه است، و مسئول همین مریدیکه است.»^۳

در سال ۱۳۵۷ به تدریج مدارس نقشه در تحولات منطقه و استان پیدا کردند و با تعطیل مداوم کلاس ها دانش آموزان را تشویق به شرکت در تظاهرات می کردند. اسناد نشان می دهد که دانش آموزان از مهم ترین نیروهای انقلابی در جریان انقلاب، نام در سال ۱۳۵۷ بوده اند. در سندی به تاریخ ۱۳۵۷/۷/۱۸ آمده است:

«روز جاری کلیه مدارس بوشهر تعطیل بوده و عده ای از دانش آموزان و افراد متفرقه در گروه های مختلف تجمع و یک گروه از آنها تابلو دبستان را که کاشی بوده است تخریب و گروه دیگری به اداره گسترش خدمات خارجی رفاهیه ها ۶۶ را شکسته و عده ای نیز به منزل آقای پاکدل کارمند این سازمان رفته و پرتاب سنگ شیشه های منزل و اتومبیل وی را شکسته اند»^۴

در سند دیگری راجع به اعتصاب معلمان و دانشجویان آمده است:

«همایون بحرانی مدیر مدرسه اعتصابی در اداره آموزش و پرورش اعلام داشته که

۱. سند فاقد شماره بوده و در جلد ۱، از همین مجموعه آمده است.

۲. اسناد مورخه ۱۳۴۴/۸/۲۰ و ۱۳۵۶/۹/۱۶ جلد ۱، از همین مجموعه

۳. اسناد مورخه ۱۳۴۶/۸/۱۸ و ۱۳۵۷/۸/۶ جلد ۲، از همین مجموعه

۴. اسناد مورخه ۱۳۵۷/۸/۷ و ۱۳۵۷/۸/۶ جلد ۲، از همین مجموعه

نباید دست از اعتصاب خود تا برکنار شدن رژیم ۶۶ برداریم و مدیران را تهدید نموده اگر چنانچه دبستانی باز شد خانه‌های مدیران به آتش کشیده می‌شود و مرتباً در میان فرهنگیان تحریکاتی می‌نماید و به دستور وی کلیه مدارس ابتدایی که مورخه ۵۷/۹/۲۵ باز بوده از ساعت ۹.۳۰ تعطیل و به حالت اعتصاب در آمدند.^۱

در میان شهدای انقلاب استان بوشهر تعدادی از دانش‌آموزان مقاطع مختلف دیده می‌شود که نشان دهنده‌ی نقش آنها در پیروزی انقلاب اسلامی است. در سندی که به این موضوع اختصاص دارد، آمده است:

«عصر روز ۵۷/۸/۲۳ حدود ۱۰۰۰ نفر محصل و افراد متفرقه در مراسم شب هفت دو نفر دانش‌آموزی که در تظاهرات اخیر کشته شده‌اند در گورستان بوشهر تجمع و بعد از خواندن فاتحه متفرق گردیدند. ضمناً روز جاری مدارس بوشهر و مدارس ابتدایی در بخش‌های آب‌په، یکه، تالان بوده است.»^۲

در سند دیگری به حضور محصلین در تظاهرات در شهرستان دیر اشاره شده و در آن صراحتاً دستور شلیک به تظاهرکنندگان آمده است. در بخشی از این سند مهم آمده است:

«در تظاهرات اخیر شهر دیر مردم عادی شرکت ندارند و فقط محصلین هستند و متأسفانه از جانب معلمین و دبیران ادنی‌ن از هیچگونه کنترل یا مانعی به وجود نمی‌آید. باتوجه به دستور تیراندازی و پراکندن آنها نیز هیچگونه کنترل یا ممانعتی به عمل نمی‌آید»^۳

دانشجویان نیز از دیگر اقشار تاثیرگذار در استان بودند. تعداد زیادی از این افراد در ضمن تحصیل در استان یا شهرهای دیگر با اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) آشنا شده و هنگام بازگشت به استان، مردم را در جریان اوضاع کشور قرار می‌دادند. دانشجوها در کنار طلاب به دلیل مقبولیتی که در نزد سایر اقشار داشتند، تاثیر زیادی بر جای می‌گذاشتند. دانشجویان مذهبی معمولاً از مساجد برای بیان اندیشه‌های خود استفاده می‌کردند.^۴ لازم به ذکر است که جریان کمونیستی نیز در مدارس استان فعال بود، اما به دلیل باورهای اعتقادی مردم این جریان هرگز نتوانست طیف وسیعی را با خود همراه کنند.

۱. سند مورخه ۱۳۵۷/۹/۲۵ جلد ۲، از همین مجموعه

۲. سند مورخه ۱۳۵۷/۸/۲۴ جلد ۲، از همین مجموعه

۳. سند مورخه ۱۳۵۷/۸/۱ جلد ۲، از همین مجموعه

۴. در اسناد این مجموعه بارها به نقش مثبت دانشجویان در جریان نهضت امام (ره) اشاره شده است. به طور نمونه ر.ک: اسناد مورخه ۱۳۵۶/۲/۱۰، ۱۳۵۶/۱۲/۱۰ و ۱۳۵۶/۱۲/۱۷ جلد ۱، از همین مجموعه

۵. سند مورخه ۱۳۵۶/۱۱/۲۶ جلد ۱، از همین مجموعه